مفهوم شفافیت در حکمرانی

# مقدمه

از اصلی‌ترین مشکلاتی که نظام ما در بسیاری از سطوح ساختاری و اداری با آن مواجه است، مشکل فساد، عدم تبعیت از قانون،‌ ناکارآمدی، عدم پاسخگویی، عدم مسئولیت پذیری و بوجود آمدن مسائل و مشکلات دیگر به تبع این مشکلات است. هر گونه اصلاح و بهبود در کشور، بدون فهم شفافیت، همانند قدم زدن در خانه‌ی تاریک و البته بی‌نظم و آشفته‌ای است که بدون نور، هر قدمی (حتی با نیت اصلاح) می‌تواند بسیار خطرناک باشد. لذا شفافیت مانند نوری است که مسائل را روشن می‌کند،‌ ابهامات را از بین می‌برد و پس از آن تازه می‌توان نسبت به مسائل فکر و برای آنها تدبیر کرد. رویکرد شفافیت معتقد است که با ایجاد فضای شفاف و به عرصه آوردن و به ملأ عام گذاردن رفتارها و عملکردها و …. می‌توان کیفیت و کارآمدی تصمیمات و اقدامات را بالا برد،‌ از بروز جرم و فساد کاست، احتمال کشف جرم را افزایش داد و علاوه بر آن نظارت و مشارکت مردمی را نیز در همه عرصه‌ها فعال کرد. با ایجاد شفافیت می‌توان عدالت را مستقر کرد و از ایجاد تبعیض‌های ناروا و عدم شایسته‌سالاری جلوگیری کرد. لذا می‌توان شفافیت را حلقه گم شده‌ی حکمرانی در کشور تلقی کرد.

شفافیت در ادبیات سیاسی روز کشور واژه‌ای پرطمطراق، اما کمتر شناخته شده است. قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات بارقه‌ی امیدی را برای شفافیت اطلاعات از سمت دستگاه‌ها به سوی مردم رهنمون کرده است، اما کفایت نمی‌کند؛ چرا که موانع مهمی پیش‌روی تحقق شفافیت، آنگونه که باید و شاید، وجود دارد. بدین ترتیب لازم است تا شفافیت به خوبی شناخته شده، ضرورت‌ها و اثرات بکارگیری آن در حوزه‌های مختلف ارزیابی شده و سازوکارهای مناسب ترویج و توسعه آن در بدنه حاکمیت طراحی گردد.

# چیستی شفافیت

اطلاعات تولید شده به وسیله‌ی شهروندان و ‌یا به نمایندگی از آنها، به مثابه جریان خون و عامل حیات اقتصاد و ملت است؛ دولت وظیفه دارد ‌با این اطلاعات به عنوان دارایی و سرمایه‌ی ملی رفتار نماید[1]. بصورت پيش‌فرض اطلاعات عمومي بايد در دسترس همه مردم قرار گيرد، چرا كه دانستن آنها «حقّ» مردم تلقّي شده است، به جز مواردي كه شفافيت عمومي ايجاد ضرر مي‌كند[2]. به عبارتی دیگر، شفافیت یعنی حق مردم برای دسترسی به اطلاعات عمومی[3].  **اطلاعاتی که باید، در زمانی که باید، در قالبی که باید، با کیفیتی که باید، در محلی که باید و به مخاطبی که باید، ارائه شوند.** لذا وقتی همه این شروط باشند، شفافیت حاصل شده است. کمتر یا بیشتر از آن می‌شود عدم شفافیت. لذا شفافیت الزاماً به معنای ارائه همه اطلاعات به همه افراد نیست.

*"شفافیت معنایش این است که مسئول در جمهوری اسلامی عملکرد خودش را به طور واضح در اختیار مردم قرار بدهد؛ این معنای شفافیت است، باید هم بکنند." (مقام معظم رهبری - 26/09/1388)*

# چرایی شفافیت

شفافیت از یک سو سریع‌ترین، کم‌هزینه‌ترین، ساده‌ترین، مبنایی‌ترین و قابل اعتمادترین سازوکار برای مبارزه با فساد (پیشگیری، کشف و درمان)، افزایش مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، ارتقاء شایسته‌سالاری، مشارکت فعال و  مؤثر مردمی، کاهش هزینه و زمان، و در نتیجه افزایش کارآمدی و سرمایه‌ی اجتماعی است[4].

از سوی دیگر شفافیت،‌ زیرساخت تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری به شمار می‌رود. بدون وجود اطلاعات دقیق، کامل، جزئی و به‌لحظه، تصمیم‌گیری مختل می‌شود و دانشمندان و متخصصان در حوزه‌های گوناگون نمی‌توانند به تصور و تحلیل صحیح دست یافته،‌ راه‌کارها و بسته‌های پیشنهادی خود را به صاحبان قدرت و تصمیم ارائه کنند.  شفافیت حل هیچ مسئله‌ای نیست، اما زیرساخت حل انبوهی از مسائل است. شفافیت به تنهایی فایده‌ای ندارد، اما می‌تواند (و بایستی) در مقدمه‌ی بسیاری از اقدامات و سیاست‌ها در حل مسائل ملی جای گیرد. لذا نگاه به شفافیت باید اساسی، زیرساختی و دارای اولویت باشد.

شفافیت مفهومی است که سلایق مختلف سیاسی روی آن وحدت نظر دارند؛ هم کسانی که بر مبانی دینی-اسلامی در حکومت‌داری تأکید دارند، و هم کسانی که توجه به تجارب بین‌المللی را ضروری می‌دانند، در مفهوم شفافیت (و مفاهیم وابسته‌ی به آن) تلاقی خواهند داشت. لذا چنین مفهوم وحدت‌بخشی می‌تواند اثرات و ویژگی‌های خاص خود را به راحتی در جامعه و نظام اسلامی‌مان، نهادینه کند و مشکلات کشور را حل نماید.

# شفافیت زمینه ساز نظارت عمومی

تجربیات کشور و همچنین دنیا نشان می‌دهد که نظارت متمرکز سازمانی علاوه بر اینکه هزینه زیادی را بر حکومت تحمیل می‌نماید، ناکارآمد است[4] و از اثربخشی لازم برخوردار نیست. نظارت عمومی و مردمی می‌تواند نقش مکمل ایفا نماید. نظارت عمومی نیز بدون وجود اطلاعات غیرممکن است. لذا شفافیت رویکردی است که امکان نظارت عموم مردم را فراهم می‌کند[2].

از طرفی، مطابق ماده 8 قانون حمایت از آمرین به معروف و ناهیان از منکر، مردم از حق دعوت به خیر، نصیحت و ارشاد در مورد عملکرد دولت برخوردارند و در چارچوب شرع و قوانین می‌توانند نسبت به مقامات، مسئولان، مدیران و کارکنان تمامی اجزای حاکمیت و قوای سه‌گانه اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، نیروهای مسلح و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آن‌ها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، امر به معروف و نهی از منکر کنند. بدیهی است انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر بدون در اختیار داشتن اطلاعات توسط مردم، امری محال است. از طرفی ارائه اطلاعات عمومی دولتی (به جز موارد مشخص امنیتی و خصوصی)  به عنوان حق اطلاعاتی مردم، وظیفه دولت است. لذا شفافیت لازمه احقاق این حق است.

شفافیت یک بستر نظارتی است که حس دیده شدن توسط عموم مردم را به وجود می‌آورد و وقتی این حس به وجود بیاید، مسئولان رفتارشان را تغییر می‌دهند و کاهش انحرافات و فساد در عرصه حکمرانی اتفاق می‌افتد. حس دیده شدن توسط مردم چند فایده برای صاحبان مناصب دارد: خودکنترلی، مشارکت مردم در عرصه حکمرانی، افزایش کارآیی، کاهش فساد و... [4]

*«هیچ کس فوق نظارت نیست. خود رهبری هم فوق نظارت نیست، چه برسد به دستگاه‌های مرتبط با رهبری. بنابراین همه باید نظارت شوند. نظارت بر کسانی که حکومت می‌کنند، چون حکومت به طور طبیعی به معنای تجمع قدرت و ثروت است؛ یعنی اموال بیت‌المال و اقتدار اجتماعی و اقتدار سیاسی در دست بخشی از حکام است. برای این که امانت به خرج دهند و سوء استفاده نکنند و نفسشان طغیان نکند، یک کار لازم و واجب است و باید هم باشد.»(مقام معظم رهبری - 09/12/1379)*

# منابع:

[1] T. O’Reilly, “Government as a Platform,” *Innov. Technol. Governance, Glob.*, vol. 6, pp. 13–40, 2011.

[2] ح. بوذرجمهری و م. ثنایی, “بررسي اقدامات راهبردي به منظور ارتقاء نظام سلامت، مبتني بر شفافيت,” *نخستين كنفرانس مديريت دولتي ايران*, 1394.

[3] ح. بوذرجمهري و ی. هرندی, “شفافیت و تغییر پارادایم در مبارزه با فساد,” *اولین کنگره ملی عملیاتی کردن اقتصاد اسلامی در اقتصاد ایران*, 1395

[4] م. ثنایی و م. عبدالحسین زاده, “تبیین مفهوم و کاربرد شفافیت در عرصه حکمرانی و اداره امور دولتی,” *نخستین کنفرانس مدیریت دولتی ایران*, 1394.